

## An Assessment of the Level, Trend, and Distribution of Multidimensional Poverty in Iran

Yadollah Dadgar<sup>1</sup>

Mohammad Noferesti<sup>2</sup>

Mohammadali Mokhtari<sup>3</sup>

y\_dadgar@sbu.ac.ir

m\_noferesti@sbu.ac.ir

mokhtm@usi.ch

**Abstract** An accurate, and time-based poverty measurement is crucial in future policymaking as well as assessing the impact of welfare policies implemented on poverty. This study has used Multidimensional Poverty Index to calculate the various dimensions of poverty as well as the trend of changes in this index for the whole country and to compare its trend from 2006 to 2018 in all provinces of Iran in both urban and rural areas. These insights provide more accurate images of the location and dimensions of poverty, and they help to illuminate the path for future research on the causes of poverty, and also to design and target the supportive policies more effectively. The results of this paper show that multidimensional poverty in rural and suburban areas is higher than the urban areas, yet it shows slightly decreasing poverty trend. The policy message of this study necessitates a major focus on poverty alleviation in rural and suburban areas.

**Keywords:** Capability Poverty, Multidimensional Poverty, Poverty Trend in Iran, Rural Poverty, Provincial Poverty, Poverty Reduction Policy.

**JEL Classification:** P36, I32, H41.

1. Professor, Faculty of Economics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Faculty of Economics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

3. Ph. D. Student and Researcher in Economics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran and USI (Corresponding Author).

# یک ارزیابی از سطح، روند، و توزیع فقر چندبعدی در ایران

یدالله دادگر

y\_dadgar@sbu.ac.ir

استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

محمد نوفرستی

m\_noferesti@sbu.ac.ir

دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی.

محمدعلی مختاری

mokhtm@usi.ch

دانشجو دکتری و پژوهشگر علوم اقتصادی، دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه لوگانو سوییس (نویسنده مسئول).

مقاله پژوهشی

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰

دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۸

**چکیده:** اندازه‌گیری دقیق و بهنگام فقر، اهمیت بسیاری در سیاستگذاری رفاهی و همچنین، ارزیابی اثر سیاست‌های اجرایشده برای کاهش فقر دارد. این پژوهش با شاخص فقر چندبعدی ابعاد گوناگون فقر را در ایران بازبینی و تغییرهای این شاخص را محاسبه می‌کند و روند آن را از سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ در همه استان‌های ایران و در هر دو منطقه شهری و روستایی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این تفکیک‌ها تصاویر دقیق‌تری از مکان‌های تمرکز و ابعاد فقر را ارائه می‌دهند تا راه برای پژوهش‌های بعدی در خصوص علّیت فقر باز شود و سیاست‌های حمایتی با توجه به ابعاد فقر بتوانند به‌طور موثرتری طراحی و هدفگذاری شوند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فقر چندبعدی در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری از نظر سطح بالاتر است و همچنین از نظر روند، کاهش اندکی را نشان می‌دهد، از این‌رو یک پیام سیاستی این پژوهش، توجه اساسی به فقرزدایی در مناطق روستایی است.

**کلیدواژه‌ها:** فقر قابلیت‌ی، فقر چندبعدی، روند فقر در ایران، فقر روستایی، فقر استان‌ها،

سیاستگذاری کاهش فقر

طبقه‌بندی JEL: H41, I32, P36

## مقدمه

اندازه‌گیری دقیق و به‌موقع فقر از دو منظر دارای اهمیت بسیار است، یکی آن است که سیاستگذاران را متوجه جمعیت فقیر و آسیب‌پذیر می‌کند، و دوم آن که می‌تواند منبع خوبی برای ارزیابی اثر سیاست‌های اجرا شده بر ابعاد مختلف فقر باشد که این خود یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیشروی سیاستگذاران توسعه و رفاه است. در حالی که بر اساس گزارش نهادهای جهانی، فقر در بیش‌تر نقاط دنیا به‌سرعت در حال کاهش است، پژوهش‌ها در کشور ایران روند کاهشی مستمر را نشان نمی‌دهند. برای نمونه، ارزیابی اخیر بانک جهانی نشان از افزایش فقر در ایران با معیار ۵/۵ دلار در روز دارد (World Bank, 2020). علاوه بر این، توزیع جغرافیایی فقر، تصاویر دقیق‌تری از موقعیت و ترکیب ابعاد فقر ارائه می‌دهد که به سیاستگذاران کمک می‌کند سیاست‌های رفاهی دقیق‌تری طراحی و آن‌ها را اولویت‌بندی کنند. به دنبال آشکار شدن محدودیت‌های فقر درآمدی، مطرح است که رویکردهای قابلیت‌فقر سنج‌های دقیق‌تری هستند، زیرا در ماهیت چندبعدی است و زوایای بیش‌تری از فقر را نشان می‌دهند. تا پیش از این که {آمارتیا} سن (Sen, 1976; 1981)، مفهوم فقر قابلیت‌فقر را معرفی کند، عموماً «فقر» بر اساس درآمد یا هزینه افراد در یک حداقل تعریف می‌شد. پس از آن، فقر قابلیت‌فقر و فقر چندبعدی مطرح می‌شود. پیش از پرداختن به جزئیات، مفهوم کلی فقر قابلیت‌فقر این‌گونه است که چنانچه شخصی فقیر نیست ولی دارای قابلیت‌های زیاد برای مثال سلامت یا تحصیلات مناسب باشد، به احتمال از فقر خارج می‌شود، و برعکس چنانچه شخص دارای درآمد باشد اما هزینه‌های درمان زیادی داشته باشد یا دسترسی به آموزش مناسب نداشته باشد، احتمال فقیر شدن او در آینده زیاد است. در سال ۲۰۰۹ «برنامه توسعه سازمان ملل متحد»<sup>۱</sup> با همکاری دانشگاه آکسفورد «شاخص فقر چندبعدی»<sup>۲</sup> را به‌طور دقیق تعریف می‌کند. این شاخص نشان‌دهنده میزان محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است و الگوی متفاوتی را نسبت به «فقر درآمدی» ارائه می‌کند که دارای سه بُعد کلی سلامت، آموزش، و استانداردهای زندگی است. فقر چندبعدی، عامل تعداد افراد محروم و شدت محرومیت آن‌ها را در نظر می‌گیرد.

همان‌طور که اشاره شد، بیش‌تر پژوهش‌های حوزه فقر بر روش درآمدی تاکید دارند. برای نمونه، گزارش اخیر بانک جهانی فقر درآمدی را تا انتهای سال ۱۳۹۶ در ایران به‌طور افزایشی می‌بیند

1. <https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/229771594197827717/pdf>
2. <http://hdr.undp.org/en/2020-MPI>
3. Multidimensional Poverty Index

(World Bank, 2020). از این رو، بررسی به روز این شاخص با معیار دقیق تر اهمیت سیاستگذاری دارد. علاوه بر این، تفاوت اصلی فقر چندبعدی با سایر معیارهای فقر تفکیک ابعاد و تفکیک بر اساس جغرافیاست. برای نمونه، مرکز پژوهش های مجلس<sup>۱</sup> تا سال ۱۳۹۳ فقر چندبعدی روستایی را کاهش محاسبه می کند، در حالی که از سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ در فقر چندبعدی شهری افزایش دیده می شود، ولی در پژوهش یادشده تفکیک منطقه ای صورت نگرفته است. نظر به اجرای سیاست های رفاهی متعدد از سال ۱۳۹۳ و تحریم های گسترده آمریکا از سال ۱۳۹۵، در پژوهش حاضر فقر چندبعدی و روند آن با داده های به روزتر و به تفکیک برای استان های کشور در دو زیرمجموعه شهری و روستایی محاسبه می شود.

در ادامه، پس از تکمیل مقدمه با اهمیت جهانی موضوع فقر چندبعدی به مبانی نظری، پیشینه پژوهش، و معرفی شاخص های فقر چندبعدی پرداخته می شود. سپس روش شناسی پژوهش، ابعاد، و زیرشاخص های فقر چندبعدی معرفی می شود. سرانجام، نتایج برای شهر، روستا، و استان محاسبه و ارزیابی می شوند. در انتها، پیشنهادهایی برای پایش و سیاستگذاری فقر ارائه می شوند.

## مبانی نظری پژوهش

چرا فقر چندبعدی در دنیا مطرح شد و اهمیت پیدا کرد؟ به باور {آمارتیا} سن، هدف نهایی توسعه، گسترش دامنه توانایی گزینش انسان ها و فرایند رو به گسترش آن است. بنابراین، فقیر کسی نیست که درآمد ندارد، بلکه کسی است که این قابلیت را ندارد که از وضعیت فقر خارج شود. بنابر این دیدگاه، فقر را باید به صورت محرومیت از قابلیت های اساسی در نظر گرفت. در سال ۲۰۱۱ «برنامه توسعه سازمان ملل متحد» با همکاری دانشگاه آکسفورد شاخص فقر چندبعدی را برای ۱۰۴ کشور در حال توسعه محاسبه می کنند<sup>۲</sup>. نتایج نشان می دهد که شاخص فقر چندبعدی چارچوب متفاوتی از فقر درآمدی ارائه می دهد که با آن می توان برآوردهای فقر درآمدی جهانی را کامل کرد. همان طور که آلکایر و فاستر<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) نشان می دهند، فقر چندبعدی نسبت به فقر درآمدی مزیت های محاسباتی دارد، زیرا در روش محاسباتی فقر چندبعدی، اگر درصد یکسانی از افراد در دو دوره فقیر باشند، ولی یک نفر میزان فقرش افزایش یابد، فقر چندبعدی افزایش می یابد. همچنین، اگر یکی از

1. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1039870>

2. <https://ophi.org.uk/multidimensional-poverty-index/global-mpi-databank/>

3. Alkire & Foster

افراد فقیر شرایط بهتری پیدا کند، باز هم مستقل از این که شخص از فقر خارج شود یا نه، میزان فقر چندبعدی کاهش می‌یابد. کاهش میزان فقر چندبعدی به دلیل کاهش سرشمار و شدت فقر یکی از مهم‌ترین نقاط قوت این شاخص است و انگیزه‌های دولتمردان را برای کاهش تعداد افراد فقیر و تعداد محرومیت‌هایی که آن‌ها با یکدیگر مواجه هستند بیش‌تر می‌کند. همچنین، شاخص فقر چندبعدی دیگر مشکل کلاسیک سرشمار فقر را ندارد. در چارچوب مشکل یادشده، چنانچه افراد زیرخط فقر به هزینه فقیران اندکی به بالا حرکت کنند، نرخ سرشمار فقر بهتر می‌شود. این مشکل بزرگی بر سر راه محاسبه فقر بود، زیرا مواردی وجود داشت که برخلاف کاهش فقر محاسباتی، وضعیت نارضایتی در کشورها رو به افزایش بود.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند، در شرایطی که بسیاری از شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله فقر درآمدی، در برخی کشورها رو به بهبود بودند، فقر چندبعدی بهبود نیافت. پژوهش مزارعی و میرزوف<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) نشان می‌دهد، در آن دسته از کشورها که سهم زیادی از منابع عمومی به یارانه‌ها تخصیص می‌یابد، تخصیص منابع به امور مولد، همچون سرمایه‌گذاری در بخش آموزش و هزینه‌های آموزش مهارت‌های کاربردی به جوانان را محدود و فقرا را آسیب‌پذیرتر می‌کند. همچنین، این پژوهش ریشه نارضایتی‌ها و رویدادهایی را که «بهار عربی» نامیده می‌شد در اجرای چنین سیاست‌هایی می‌داند. در اغلب این کشورها بخش عمومی بزرگ و ناکارآمد است، ولی دولت نتوانسته خدمات کافی به مردم ارائه کند، به‌طوری که بر اساس شاخص فقر چندبعدی، بیش از یک‌سوم مردم این کشورها از خدمات بهداشتی، آموزش، و برخی خدمات اصلی همچون شبکه فاضلاب، آب تمیز، و برق محروم هستند و این محرومیت در شاخص فقر چندبعدی انعکاس می‌یابد. ایران نیز در رده کشورهای در حال توسعه‌ای است که با مسئله فقر روبه‌روست و اسناد بالادستی الزام‌آوری مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و قوانین برنامه توسعه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر کاهش فقر در ایران تاکید دارند<sup>۲</sup>. همچنین، در سال‌های اخیر سیاست‌های مسکن مهر، پرداخت یارانه‌ها، و طرح تحول سلامت با هدف بهبود وضعیت افراد فقیر دست‌کم در بُعد درآمدی تهیه و اجرا می‌شود. اگرچه ارزیابی میزان موفقیت هر یک از این سیاست‌ها نیاز به پژوهش مجزایی دارد، اما یافتن مقادیر کمی ابعاد فقر می‌تواند گام مهمی در راستای ارزیابی سیاست باشد. برای مثال، انتظار می‌رود اجرای مسکن مهر بُعد استاندارد زندگی را بهبود دهد، یا طرح تحول سلامت بهبود فقر سلامت را به همراه بیاورد، یا مدرسه‌سازی فقر آموزشی

1. Mazarei & Mirzoev

2. <https://mpogl.ir/tosee/var/files/gavanini%20mogararat/matne%20sanad%20cheshm%20andez.pdf>

را کاهش دهد. برای پاسخ به این پرسش‌ها نیاز است ابعاد فقر به عنوان خروجی یک سیاستگذاری به صورت استانی و به تفکیک شهر و روستا در دسترس باشد. به عنوان نمونه‌های ارزیابی سیاست‌های فقر عزیزی و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهند که هدفمندی یارانه‌ها همبستگی منفی با امنیت غذایی و فقر غذایی دارد. همچنین مصطفایی و همکاران (۱۳۹۸)، نشان می‌دهند که استان‌هایی با بهره‌وری بالای کارگاه‌های صنعتی مقدار شدت فقر پایینی دارند.

به‌طور کلی، رویکردهای متفاوت در مورد فقر را می‌توان به دو بخش رفاه‌گرایی و غیررفاه‌گرایی تقسیم کرد که رویکرد غیررفاه‌گرا خود به دو بخش توانگری و قابلیت‌تقسیم می‌شود. این رویکردها هم از نظر سنجش رفاه متفاوت هستند و هم نتیجه‌های متفاوتی را در اندازه فقر بیان می‌کنند (دادگر و باقری، ۱۳۸۶). {آمارتیا} سن بر رویکرد قابلیت‌تقسیم به جای رویکرد درآمدی تاکید می‌کند و به نظر او به‌جای آن که به دو نفر رفاه و درآمد برابر داده شود، مناسب‌تر است که قابلیت کسب درآمد در آن‌ها ایجاد شود. بر اساس رویکرد قابلیت‌تقسیم، فقر، نداشتن سبدهی از کالاها یا نداشتن یک یا دو دلار در روز نیست، بلکه محرومیت در رسیدن به پایین‌ترین قابلیت‌های لازم است (دادگر، ۱۳۹۷). علاوه بر این، فقر قابلیت‌تقسیم می‌تواند به عنوان مکمل فقر درآمدی سیگنال‌های دقیق‌تری به سیاستگذار ارسال کند. در حالی که رویکردهای سنتی بر یک خط فقر درآمدی تکیه دارند، رویکرد قابلیت‌تقسیم ظرفیت و توانمندی افراد جامعه را مورد توجه قرار می‌دهد. برای مثال، چنانچه فردی دسترسی به آب و برخی امکانات اولیه مانند خانه مناسب، مدرسه نزدیک به محل زندگی یا وسایل ارتباطی نداشته باشد، حتی با وجود درآمد بیش‌تر قابلیت کم‌تری دارد. این چالش جدی منشأی آغاز بحث‌های جدی در شاخص‌های فقر از دهه هشتاد میلادی است.

تلاش بین‌المللی و فراگیری برای فقرزدایی با ارائه گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ آغاز شد و در اجلاس توسعه اجتماعی کپنهاگ ۱۹۹۵ ادامه یافت. در همین راستا، سال ۱۹۹۷ میلادی به عنوان سال فقرزدایی و همچنین سال‌های ۲۰۰۶-۱۹۹۷ به عنوان دهه فقرزدایی برگزیده شد و دولت‌ها خود را به تهیه برنامه‌های ملی فقرزدایی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه متعهد کردند<sup>۱</sup>. این تلاش‌ها در نهایت تعریف اهداف توسعه هزاره<sup>۲</sup> را در پی داشت. در واقع، اهداف توسعه هزاره هشت هدف مشترک هستند که در سال ۲۰۰۰ در سازمان ملل بر سر آن‌ها توافق شد. نگاهی به اهداف توسعه هزاره نشان می‌دهد که شاخص فقر درآمدی به‌تنهایی منعکس‌کننده این

1. United Nations Development Programme (1990): <http://hdr.undp.org/en/reports/global/hdr1990>  
 2. Millennium Development Goals: <https://www.who.int/>

اهداف نیست. بر اساس گزارش بانک جهانی ۲۰۱۵، شاخص فقر درآمدی در کشورهای در حال توسعه به ۱۳ درصد کاهش یافته که بیش از اهداف توسعه هزاره بود. در حالی که برخی دیگر از اهداف در حد انتظار برآورده نشده‌اند و حتی در خاورمیانه شاهد بدتر شدن برخی شاخص‌های فقر بوده‌ایم. برای مثال، بانک جهانی نشان می‌دهد که سرعت بهبود تغذیه در تمامی مناطق کم‌تر از انتظار است و وضع منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) بدتر از پیش است. بنابراین، به نظر می‌رسد اعداد به‌دست‌آمده در کاهش فقر درآمدی لزوماً به معنای تحقق اهداف هزاره نیستند. تا پیش از این که سن مفهوم فقر چندبعدی را معرفی کند (Sen, 1976; 1981)، درک غالب از فقر بر اساس درآمد یا هزینه افراد در یک حداقل تعریف می‌شد. {آمارتیا} سن مزیت افراد را برحسب قابلیت‌های آن‌ها و فقر را به عنوان محرومیت از قابلیت‌های اساسی تعریف می‌کند. او با این رویکرد فقر را با قابلیت‌ها پیوند می‌دهد. این روش دارای مزیت‌های فراوانی است، زیرا روش درآمدی محاسبه فقر که در آن درآمد افراد نسبت به خط فقر مورد بررسی قرار می‌گیرد، نمی‌تواند درک اساسی از ماهیت و ویژگی‌های فقر به‌دست دهد. در این رویکرد، وجود «فقر» یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع موجود بر سر راه شکوفایی استعدادهاست. در این راستا، برنامه توسعه سازمان ملل متحد با همکاری دانشگاه آکسفورد شاخص فقر چندبعدی را تعریف می‌کند. شاخص فقر چندبعدی نشان‌دهنده محرومیت افراد جامعه در قابلیت‌های اولیه انسانی است که الگو و تعریف متفاوتی نسبت به فقر درآمدی ارائه می‌دهد که محرومیت‌های چندگانه خانوار را در بُعد آموزش، سلامت، و استاندارد زندگی شناسایی می‌کند. محرومیت خانوار در ابعاد آموزش و سلامت هر یک بر اساس دو شاخص، و در بُعد استاندارد زندگی بر پایه شش شاخص محاسبه می‌شود. شاخص‌ها بر اساس نمره‌های اختصاص داده‌شده به محرومیت برای هر خانوار بررسی می‌شود. بیش‌ترین امتیاز محرومیت خانوار یک و کم‌ترین امتیاز محرومیت صفر است. سپس، برای فقر چندبعدی آستانه فقر تعریف می‌شود که برابر با یک‌سوم بیش‌ترین امتیاز محرومیت است. به عبارت دیگر، اگر امتیاز محرومیت فرد یا خانوار برابر یا بیش از ۰/۳۳ باشد، خانوار فقیر تلقی می‌شود. بر اساس این آستانه، خانوار فقیر و غیرفقیر از هم متمایز می‌شوند.

بیش‌تر پژوهش‌های انجام‌شده در مورد فقر در ایران شامل زیبایی و شوشتریان (۱۳۸۶)، شیروانیان و اسماعیلی (۱۳۸۸)، خدادادکاشی و حیدری (۱۳۸۸)، فقر را تک‌بعدی و بر پایه درآمد یا هزینه‌های خانوار می‌سنجند. کریمی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، با تمرکز بر بُعد سلامت نشان می‌دهند، شوک تغذیه‌ای کوچک در دوران کودکی پیامدهایی بر قد به عنوان شاخص فقر سلامت در بزرگسالی

دارد. با وجود این، بررسی‌های کم‌تری در زمینه فقر چندبعدی انجام پذیرفته است. برای مثال علی‌مددی (۱۳۸۷)، شاخص چندبعدی فقر را برای سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ با در نظر گرفتن ابعاد درآمد، مسکن، تملک دارایی‌های بادوام، سلامت، تامین اجتماعی، اوقات فراغت، و آموزش محاسبه می‌کند. راغفر و همکاران (۱۳۹۲)، به اندازه‌گیری شاخص فقر چندبعدی در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد فقیرترین منطقه تهران بر اساس رویکرد درآمد منطقه ۱۹، و از نظر آموزش و مسکن به ترتیب مناطق ۱۹ و ۱۷ هستند. مزیکی و همکاران (۱۳۹۳)، با محاسبه جداگانه فقر در بخش‌های سلامت، حمل‌ونقل، آموزش، و مسکن نقشه‌ای برای هر یک ترسیم می‌کنند و نشان می‌دهند در بیش‌تر شاخص‌ها فقر مناطق مختلف کشور و جامعه روستایی و شهری شکاف بسیاری دارد و در ابعاد مختلف متفاوت است. یوسفی و همکاران (۱۳۹۲)، به سنجش و مقایسه فقر چندبعدی در ایل‌های عشایر کشور با استفاده از روش آکایر و فوستر می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که ۴۲ درصد ایل‌ها محروم هستند و به‌طور میانگین شدت فقر آن‌ها ۴۶ درصد است. مختاری و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی فقر چندبعدی روستایی با کمک داده‌های هزینه و درآمد خانوار سال ۱۳۹۱ می‌پردازند و نشان می‌دهند پس از استان سیستان و بلوچستان، استان‌هایی با شهرهای بزرگ مانند تهران و البرز فقر روستایی بالا و با سرشمار ۲۵ تا ۳۰ درصدی دارند. مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۶)، روند فقر چندبعدی را بدون تفکیک هر یک از ابعاد و استان‌ها تا سال ۱۳۹۳ محاسبه می‌کند که نتایج حاکی از ثبات یا افزایش در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ است. دانگد و هافمن<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، فقر چندبعدی در کشور آمریکا را در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ با استفاده از رویکرد الکایر و فاستر بررسی می‌کنند. بر اساس این پژوهش، ۱۵ درصد آمریکایی‌ها از فقر چندبعدی رنج می‌برند که این میزان بالاتر از نرخ فقر درآمدی در این کشور است. کم بودن تحصیلات، مشکلات محل سکونت، و در اختیار نداشتن بیمه سلامت مهم‌ترین عوامل موثر بر فقر چندبعدی است. این شاخص در آمریکا در سال‌های پس از رکود ۲۰۰۸، یعنی ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ به شکل معناداری افزایش می‌یابد. باتانا<sup>۲</sup> (۲۰۱۳)، با استفاده از روش الکایر و فوستر، فقر چندبعدی را برای زنان ۱۵ تا ۴۹ ساله در ۴۱ کشور آفریقایی در فاصله سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۳ اندازه‌گیری می‌کند و چند نتیجه جالب به‌دست می‌آورد. اول این‌که تفاوت کشورها در فقر چندبعدی در صحرای آفریقا مورد توجه است. دوم این‌که، فقر چندبعدی در مناطق روستایی به شکل قابل‌ملاحظه‌ای بالاتر از مناطق شهری است. سوم، بُعد آموزش

1. Dhongde & Haveman  
2. Batana



عامل اصلی تشکیل‌دهنده فقر چندبعدی در صحرای آفریقا برای گروه زنان ۱۵ تا ۴۹ سال است. کاسترو و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲)، از نسبت سرشمار چندبعدی الکایر و فوستر استفاده می‌کنند و به برآورد فقر چندبعدی در کشور پرو در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۸ می‌پردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، استفاده از شاخص فقر درآمدی خطای زیادی ایجاد می‌کند، به این نحو که افرادی ممکن است فقیر محسوب نشوند، ولی به دلیل شرایط نامساعد مانند آب و بهداشت در آستانه فقر قرار گیرند. همچنین، اعداد و تغییرهای فقر درآمدی و چندبعدی متفاوت هستند، به نحوی که نسبت افراد فقیر چندبعدی در کشور پرو در سال‌های یادشده از ۳۸ به ۳۲ درصد کاهش می‌یابد، در حالی که فقر درآمدی در همین بازه از ۴۸ درصد به ۳۶ درصد نزولی است.

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به این که روش الکایر و فاستر (۲۰۱۱) در روش‌شناسی این پژوهش نقش اساسی دارد، در ابتدا توضیحاتی در مورد آن داده می‌شود. شاخص فقر چندبعدی افراد فقیر را با استفاده از آستانه‌های محرومیت و فقر شناسایی می‌کند که شامل سه بُعد سلامت، آموزش، و استاندارد زندگی است و هر بُعد شامل چند معیار است. جزئیات آن بر اساس آخرین استاندارد برنامه توسعه سازمان ملل در **جدول ۱** آمده است.

**جدول ۱: ابعاد فقر، جزئیات شاخص‌های مرتبط، هدف هزاره، و وزن مربوطه**

ابعاد	شاخص	محرومیت اگر ...	مرتبط با آرمان توسعه هزاره	وزن نسبی
۱ ۳	تعداد سال‌های تحصیل	هیچ‌کدام از اعضای خانواده که می‌توانست ۶ سال یا بیش‌تر به مدرسه برود، به مدرسه نرفته است.	آرمان ۲	۱/۶
	حضور فرزند در مدرسه	دست‌کم یکی از فرزندان ۸ تا ۱۵ ساله به مدرسه نمی‌رود.	آرمان ۲	۱/۶
۳ ۳	مرگومیر کودکان	کودکی در خانوار فوت کند.	آرمان ۴	۱/۶
	تغذیه	بزرگسال یا کودکی که باید میزان مشخصی مواد مغذی دریافت کند، کمبود تغذیه داشته باشد.	آرمان ۱	۱/۶

1. Castro et al.

ادامه جدول ۱: ابعاد فقر، جزئیات شاخص‌های مرتبط، هدف هزاره، و وزن مربوطه

ابعاد	شاخص	محرومیت اگر ...	مرتبط با آرمان توسعه هزاره	وزن نسبی
استانداردهای زندگی	برق	خانوار برق ندارد.	آرمان ۷	۱/۱۸
	آب آشامیدنی سالم	خانوار به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارد یا برای دسترسی به آن بیش از ۳۰ دقیقه پیاده‌روی لازم باشد.	آرمان ۷	۱/۱۸
	سیستم تخلیه فاضلاب	خانواری سرویس بهداشتی نداشته باشد یا بین چند خانوار مشترک باشد.	آرمان ۷	۱/۱۸
	کفپوش	کفپوش محل سکونت خانوار خاک، شن، و ماسه است.	آرمان ۷	۱/۱۸
	سوخت برای پختن غذا	سوخت برای پختن غذای خانوار چوب یا زغال است.	آرمان ۷	۱/۱۸
	مالکیت دارایی	هیچ کدام از خانوارها رادیو، تلویزیون، و تلفن نداشته باشد یا صاحب دوچرخه، موتور، ماشین، گاری، و تراکتور یا یخچال، زمین، یا دام نباشد.	آرمان ۷	۱/۱۸

همان‌طور که در **جدول (۱)** مشاهده می‌شود، برای تولید شاخص فقر چندبعدی از ده شاخص با معیارهای مختلف استفاده می‌شود. این شاخص‌ها متعلق به سه بعد سنجش فقر است. هر یک از این ابعاد و شاخص‌ها با رأی و مشورت متخصصان آموزش، بهداشت، و رفاه اجتماعی در سال ۲۰۱۰ با دقت خاصی انتخاب شد. شاخص‌های انتخاب‌شده در این پژوهش مناسب‌ترین مجموعه در دسترس هستند. بُعد سلامت شامل دو شاخص تغذیه و مرگ‌ومیر کودکان، بُعد آموزش شامل شاخص سال‌های مدرسه و حضور کودک در مدرسه، و بُعد استاندارد زندگی نیز شامل معیارهای سوخت برای پخت‌وپز، دفع بهداشتی فاضلاب، دسترسی به آب آشامیدنی سالم، برق، و تملک برخی دارایی‌ها از جمله وسیله برای جابه‌جایی است. در ادامه، ابتدا روش محاسبه فقر چندبعدی اشاره می‌شود.

شاخص فقر چندبعدی بر اساس روش آلکایر و فوستر (۲۰۱۱) در دو مرحله محاسبه می‌شود. در مرحله اول، با استفاده از آستانه‌های محرومیت<sup>۱</sup> افراد محروم از هر بعدی شناخته می‌شوند و در مرحله دوم، با استفاده از جمع محرومیت‌ها و مقایسه با آستانه فقر، شناسایی افراد فقیر صورت می‌گیرد. بردار  $Z$  که در معادله (۱) می‌آید، آستانه محرومیت را نشان می‌دهد.

$$z = (z_1, z_2, \dots, z_d) \in \mathbb{R}_+^d \quad (1)$$

### 1. Deprivation Cutoffs

که  $\mathbb{R}_{++}^d$  فضای مربوط به آن است.

برای تشکیل بردار محرومیت افراد خصوصیات فرد با این بردار آستانه مقایسه می‌شود. در این جا خصوصیات خانوار  $i$  با بردار  $y^i$  نمایش داده می‌شود.  $y$  میزان دارندگی فرد را نمایش می‌دهد و چنانچه فردی در یک بعد از آستانه‌اش در  $Z$  کم‌تر باشد، محروم است:

$$y^i = (y_1^i, y_2^i, \dots, y_d^i) \in \mathbb{R}_+^d \quad (2)$$

بر اساس این، بردار محرومیت افراد  $D$  عبارت است از:

$$D^i = \left( I(y_1^i \leq z_1), \dots, I(y_d^i \leq z_d) \right) \in \{0, 1\}^d$$

$$I(y): Y \rightarrow \{0, 1\} \quad (3)$$

که در آن  $I(0)$  تابع مشخصه است. یعنی در صورت درست بودن ضابطه ورودی‌اش، مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر را برمی‌گرداند. مقدار  $d$  در این جا تعداد شاخص‌هاست که برابر ۱۰ است. این رابطه به این معناست که چنانچه هر یک از دارندگی‌های شخص کم‌تر از مقدار آستانه باشد، خروجی  $I$  برابر یک است و فرد در آن بُعد فقیر محسوب می‌شود. پس بردار  $D$  برای هر شخص  $i$  برای ابعادی که فرد فقیر است، برابر یک است و برای بُعدی که در آن فقیر نیست، برابر صفر. در مرحله دوم، بردار محرومیت افراد با بردار وزن ترکیب می‌شود. این کار با یک ضرب درونی<sup>۱</sup> امکان‌پذیر است. بردار وزن  $W$  نشان‌دهنده اهمیت نسبی هر یک از معیارها است:

$$W = (w_1, w_2, \dots, w_d) \in (0, 1)^d \quad (4)$$

بر اساس استاندارد برنامه توسعه سازمان ملل، چنانچه فردی (خانواری) پس از اعمال وزن‌ها امتیاز محرومیتی برابر یا بیش از ۰/۳۳ داشته باشد، بالاتر از آستانه فقر<sup>۲</sup> قرار می‌گیرد و فقیر محسوب می‌شود. بردار وزن در شاخص چندبعدی فقر نقش مهمی دارد. بر اساس معیار قابل مقایسه بین‌المللی گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ وزن شاخص هر یک از سه بعد سلامت، آموزش، و استاندارد زندگی برابر ۳/۱ است. زیرشاخص‌های هر بعد نیز وزن برابری دارند. بنابراین، هر یک از شاخص‌های سلامت و آموزش وزنی برابر ۶/۱ دارد. همچنین، هر یک از ابعاد استاندارد زندگی وزنی معادل با ۱۸/۱ دارد. در صورتی که در محاسبه شاخص فقر چندبعدی از ابعاد کم‌تری استفاده شود، وزن‌ها به‌نسبت تغییر می‌کنند. بنابراین اگر در کشوری به دلیل محدودیت در داده‌ها، اطلاعات مربوط به یکی از شاخص‌ها در دسترس نباشد، وزن شاخص در بُعد اصلی تغییر نمی‌کند و سایر شاخص‌ها در آن بعد

1. Inner Product  
2. Poverty Cutoff

وزن بیش‌تری می‌گیرند. در ادامه سعی می‌کنیم روش محاسبه را به صورت فرم تابعی ارائه کنیم. تابع شناسایی<sup>۱</sup> نتیجه فرایند بالا را خلاصه می‌کند، بدین شکل که نشان می‌دهد آیا خانوار  $\mathbf{i}$  با خصوصیات  $y^i$  از فضای  $\mathbb{R}_+^d$  با توجه به آستانه محرومیت  $z$  در فضای  $\mathbb{R}_{++}^d$  وزن  $w$  و آستانه فقر  $k$  که در این جا برابر  $3/1$  است، فقیر محسوب می‌شود یا خیر. اگر شخص فقیر باشد، تابع شناسایی ارزش یک دارد و اگر شخص فقیر نباشد، تابع شناسایی دارای ارزش صفر است. فرم ریاضی این تابع در معادله (۵) آمده است:

$$\rho : \mathbb{R}_+^d \times \mathbb{R}_{++}^d \rightarrow \{0, 1\} \quad (5)$$

در واقع،  $\rho$  یک تابع مشخصه است که فرم آن به شکل رابطه (۶) است و مشخص‌کننده این است که فرد فقیر چندبعدی محسوب می‌شود یا خیر:

$$\rho(y^i, z) = I\left(D \cdot w \geq \frac{1}{3}\right) \quad (6)$$

حال نیاز داریم نسبت افراد فقیر را محاسبه کنیم. بر اساس این، سرشمار فقر ( $H$ ) بر اساس رابطه

(۷) خواهد بود:

$$H = \frac{\sum_{i=1}^N \rho(y^i, z)}{N} \quad (7)$$

که در آن  $N$  تعداد خانوارهاست. همچنین، شدت فقر  $A$  این‌گونه تعریف می‌شود:

$$A = \frac{\sum_{i=1}^N I(\rho(y^i, z) = 1) \times (D \cdot w)}{\sum_{i=1}^N I(\rho(y^i, z) = 1)} \quad (8)$$

که برابر میزان محرومیت یک فقیر در بین سایر فقراست. در نهایت، شاخص فقر چندبعدی ( $MPI$ )

عبارت است از:

$$MPI = H \times A \quad (9)$$

در چنین ساختاری برای تجزیه عوامل موثر بر فقر به ابعاد آن می‌توان از تجزیه  $A$  استفاده کرد.

برای مثال، اثر بعد  $d$  بر شاخص چندبعدی فقر برابر است با:

$$MPI_d = H \times \frac{\sum_{i=1}^I I(\rho(y^i, z) = 1) \times (I(y_d^i \leq z_d) \times w_d)}{\sum_{i=1}^I I(\rho(y^i, z) = 1)} \quad (10)$$

که در نتیجه خواهیم داشت:

$$MPI = MPI_1 + \dots + MPI_d \quad (11)$$

در ادامه، بر اساس این معادله‌ها سعی در برآورد این شاخص‌ها برای ایران داریم.

## داده‌های در دسترس ایران

برای محاسبه شاخص چندبعدی فقر لازم است تمام داده‌ها از یک پژوهش به‌دست آمده باشد. سه پایگاه داده مهم که از آن‌ها برای محاسبه شاخص چندبعدی فقر استفاده می‌شود، عبارت‌اند از مطالعات جمعیت‌شناختی و سلامت<sup>۱</sup>، مطالعات شاخص‌های چندخوشه‌ای، سازمان بهداشت جهانی<sup>۲</sup>، و مطالعات موردی کشورها. آرمانی این است که برای همه کشورها از داده‌هایی با یک ساختار استفاده شود که متاسفانه میسر نیست. آخرین نسخه شاخص چندبعدی فقر محاسبه‌شده در سال ۲۰۱۸ از مطالعات جمعیت‌شناختی و سلامت (DHS)، برای محاسبه شاخص چندبعدی فقر ۵۱ کشور استفاده می‌کند. برای ۴۳ کشور از مطالعات شاخص‌های چندخوشه‌ای (MICS)، برای دو کشور از ترکیب این دو داده، و برای سه کشور عربی از داده‌های پروژه عربی پیمایش خانوار<sup>۳</sup> (PAPFAM) استفاده می‌شود. برای کشورهای برزیل، چین، اکوادور، جامائیکا، مکزیک، و آفریقای جنوبی از مطالعات موردی آن‌ها که توسط سازمان‌های معتبر انجام می‌گیرد، بهره‌برداری می‌شود (Alkire & Jahan, 2018). در صورت وجود دسترسی به داده‌های قابل‌اطمینان، از جایگزین مناسب استفاده می‌شود. علاوه بر این، در تعریف برخی از شاخص‌ها اختلاف‌نظرهایی وجود دارد، یا ممکن است برخی کشورها فاقد داده‌هایی شامل تمام جزئیات باشند و محاسبه این شاخص موقعیت هر کشور در رده‌بندی بین‌المللی را به‌طور دقیق مشخص نکند. خوشبختانه داده‌های پرسشنامه طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران<sup>۴</sup> قابلیت محاسبه دو بعد آموزش و استاندارد زندگی را دارد و فقط در بعد سلامت باید از معیارهای جایگزین استفاده کرد. محاسبه سایر شاخص‌ها مطابق استاندارد برنامه توسعه سازمان ملل صورت می‌گیرد (جدول ۲).

1. The Demographic and Health Surveys (DHS): <https://dhsprogram.com/data/>
2. Multiple Indicators Cluster Survey: [https://www.unicef.org/statistics/index\\_24302.html](https://www.unicef.org/statistics/index_24302.html)
3. Pan Arab Project for Family Health: <http://ghdx.healthdata.org/organizations/pan-arab-project-family-health-papfam>
4. <https://www.amar.org.ir/>

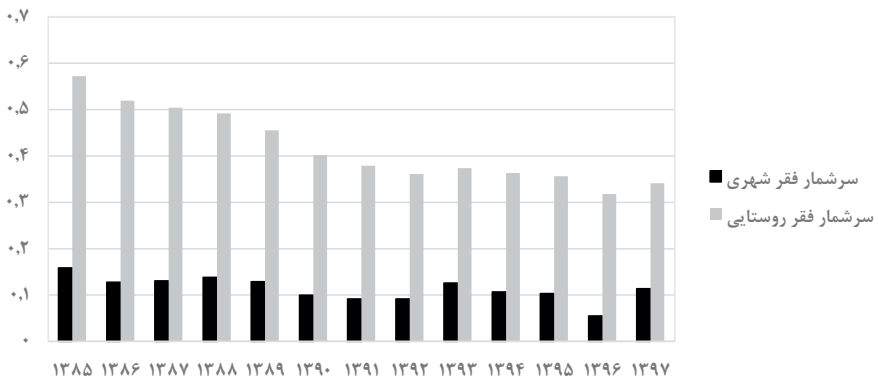
جدول ۲: شاخص‌های استاندارد و جایگزین با توجه به داده‌های ایران

شاخص استاندارد سازمان ملل	بُعد	شاخص جایگزین با توجه به داده‌های ایران
بزرگسال یا کودکی که باید میزان مشخصی مواد مغذی تغذیه داشته باشد.	سلامت	بزرگسال یا کودکی که باید میزان مشخصی مواد مغذی دریافت کند، کمبود تغذیه داشته باشد.
معیار: شاخص توده بدنی <sup>۱</sup>		معیار: کمبود کالری دریافتی بر اساس مصرف ماهانه غذا (استاندارد سازمان جهانی خواروبار آ برای دریافت کالری)
کودکی در خانوار فوت کند	سلامت	پوشش هرگونه بیمه‌ای
محل زندگی		محل زندگی
معیار: کفپوش محل سکونت خانوار خاک، شن، و ماسه است	استاندارد زندگی	معیار: خانه از چوب یا خشت و گل نباشد

در ادامه روند سرشمار فقر چندبعدی (H)، شدت (A)، و فقر چندبعدی در مناطق شهری، روستایی، و استانی در طول ۱۳ سال از ۱۳۸۵-۱۳۹۷ محاسبه و بررسی می‌شود.

### یافته‌های پژوهش و تفسیر نتایج

سرشمار فقر چندبعدی (H)، جامعه شهری و روستایی: این شاخص به بیان ساده‌تر همان درصد افرادی هستند که فقیر چندبعدی محسوب می‌شوند، یا مهم‌ترین معیار برای قضاوت درباره روند فقر که روند آن در ۱۳ سال در شکل (۱) نشان داده می‌شود.



شکل ۱: روند سرشمار فقر چندبعدی برای جامعه شهری و روستایی

1. Body Mass Index (BMI)
2. FAO

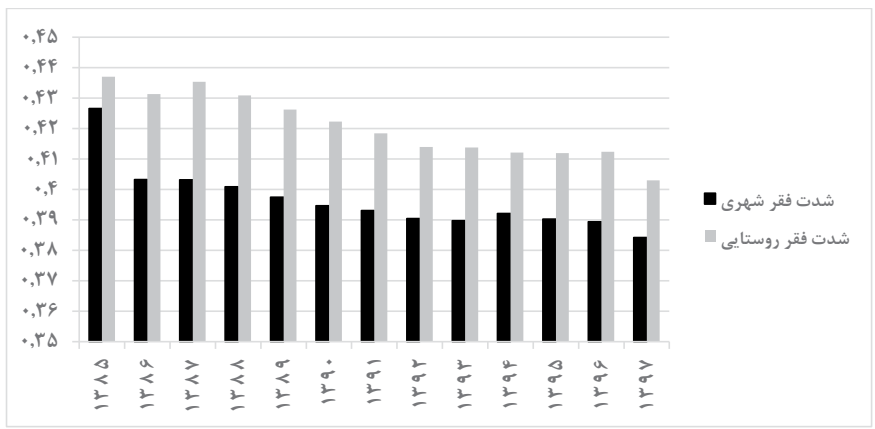
### تحلیل نتایج سرشمار فقر

۱. با توجه به محاسبه‌ها، همان‌طور که در **شکل (۱)** دیده می‌شود، در دهه ۱۳۸۰ روند نزولی فقر چندبعدی مشهود است، اما در دهه ۱۳۹۰ و دقیقاً از سال ۱۳۹۲ روند نزولی فقر روستایی متوقف می‌شود و کاهش معناداری در آن دیده نمی‌شود و حتی در سال ۱۳۹۷ افزایش جدی می‌یابد (در جامعه شهری بیش از دو برابر).

۲. روند کاهش سرشمار فقر در جامعه روستایی جدی‌تر و امیدوارکننده‌تر است. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم، فقر چندبعدی روستایی از ۵۷ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۷ می‌رسد.

۳. تفاوت میزان شاخص فقر چندبعدی بین جامعه شهری و روستایی بالاست. در شرایطی که در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ میانگین سرشمار فقر چندبعدی در مناطق شهری ۱۱ درصد است، این رقم عدد ۴۲ درصد را در مناطق روستایی نشان می‌دهد. یعنی در کل کشور با معیارهای یکسان فقر چندبعدی تعداد فقیران در جامعه روستایی و حاشیه شهری تقریباً چهار برابر جامعه شهری است.

**تحلیل نتایج شدت فقر چندبعدی (A):** در این بخش لازم است یکبار دیگر معیار شدت فقر چندبعدی (A) تعریف شود. این معیار دقیقاً به ما می‌گوید افراد فقیر چقدر فقیرند.



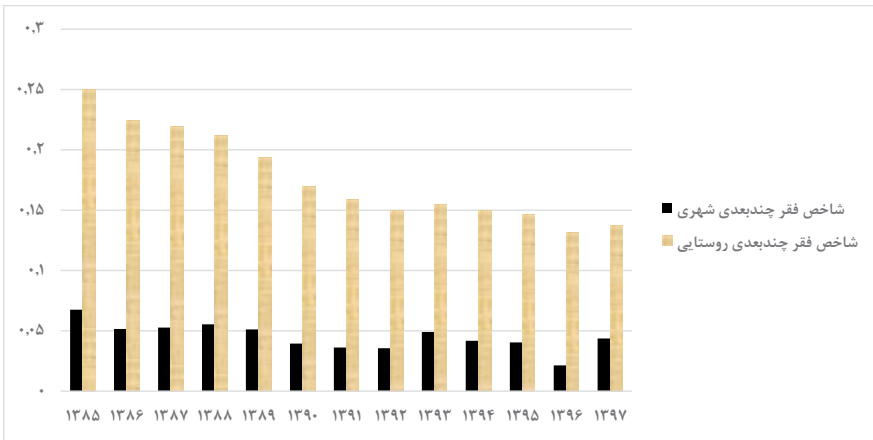
شکل ۲: روند شدت فقر چندبعدی در جامعه شهری و روستایی

۱. سطح شدت فقر در ایران نسبت به دیگر کشورهای در حال توسعه چندان بالا نیست، زیرا بنابر تعریف فقر چندبعدی مرز فقیر بودن شدت ۳۳ درصد است و به‌تازگی سازمان ملل میزان ۵۰ درصد

را برای فقر بسیار شدید معرفی می‌کند. همان‌طور که در **شکل (۲)** مشاهده می‌شود، برای ایران در هیچ دوره‌ای فقر ۵۰ درصد اتفاق نیافتاده است.

۲. همان‌طور که در **شکل (۲)** دیده می‌شود، شدت فقر چندبعدی به آرامی در حال کاهش است. بدین معنا که تعداد افراد بسیار فقیر یعنی کسانی که در ابعاد متعدد دارای فقر هستند، در حال کاهش ملایم است. حتی در سال ۱۳۹۷ که سرشمار فقر افزایش می‌یابد، شدت آن کاهش اندکی را نشان می‌دهد.

۳. تفاوت شدت فقر چندبعدی برای جامعه شهری و روستایی باز هم دیده می‌شود که البته به اندازه تفاوت سرشمار فقر نیست و می‌توان ادعا کرد افراد فقیر در شهر و روستا تفاوت جدی در شدت فقر ندارند. شاخص فقر چندبعدی (MPI) جامعه شهری و روستایی: اگر شدت فقر چندبعدی در سرشمار ضرب شود، نتایج به دست آمده که همان شاخص فقر چندبعدی آلکایر و فوستر است، از آن جایی که این شاخص مستقل از دو شاخص قبل نیست، تحلیل جداگانه‌ای نیاز ندارد. ولی از آن‌جا که امروزه به‌طور کامل در بانک داده‌های جهانی به عنوان یک شاخص توسعه گزارش می‌شود، می‌تواند برای سیاستگذار در مقایسه‌های بین‌کشوری ایران و برخی کشورهای توسعه‌یافته راهگشا باشد (**شکل ۳**).

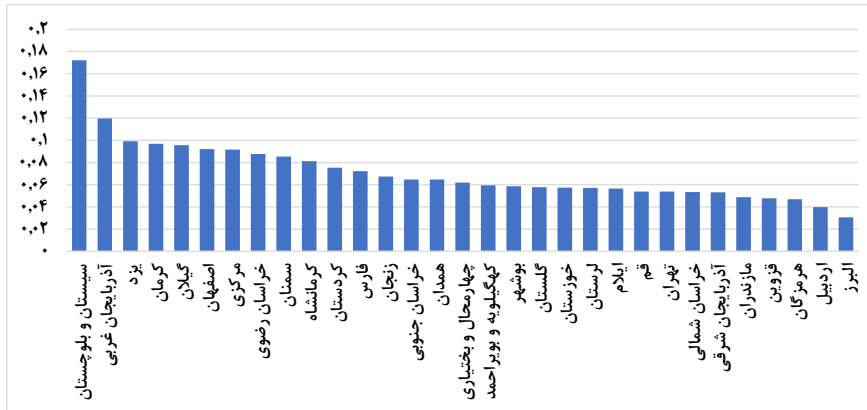


شکل ۳: روند شاخص فقر چندبعدی برای جامعه شهری و روستایی ایران

**جغرافیای فقر چندبعدی در ایران:** در این بخش به مقایسه مناطق جغرافیایی ایران بر اساس نتایج سال ۱۳۹۷ می‌پردازیم تا مقدار این شاخص به تفکیک استان‌ها مشخص شود. در **اشکال (۴)** و

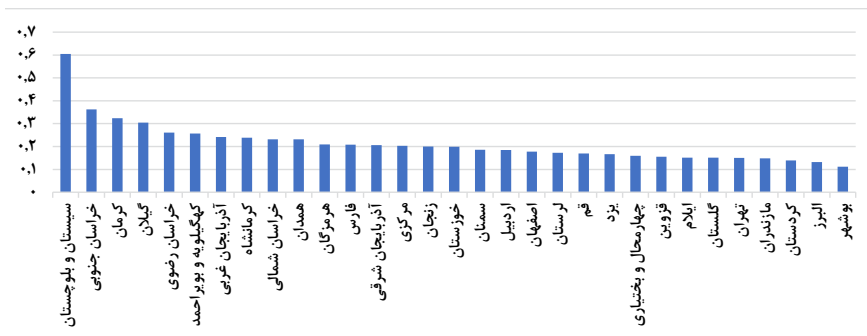
(۵)، سرشمار فقر چندبعدی برای جامعه شهری و روستایی در سطح استان‌ها به نمایش درآمده است.





شکل ۴: سرشمار فقر چندبعدی سال ۱۳۹۷ برای جامعه شهری در استان‌ها

نتایج تفکیکی استان‌ها برای مناطق شهری نشان می‌دهد که حدود ۱۷ درصد ساکنان شهرها در استان سیستان و بلوچستان دارای فقر چندبعدی هستند. پس از سیستان و بلوچستان که در درجه بالای فقر قرار دارند، شهرهای آذربایجان غربی با ۱۲ درصد، و یزد و کرمان هر یک با اندکی کم‌تر از ۱۰ درصد قرار دارند. نکته عجیب و غیرقابل انتظار این است که همان‌طور که از میانه‌های شکل (۴) مشخص است، بیش‌تر شهرهای بزرگ مانند اصفهان، مشهد، شیراز، و حتی تهران فقر چندبعدی بیش‌تری از شهرهای کوچک‌تر دارند. برای اظهار نظر دقیق درباره علت این اتفاق عجیب پژوهش‌های بیش‌تری نیاز است، اما یک سناریو می‌تواند گسترش زیاد حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ باشد.



شکل ۵: فقر چندبعدی سال ۱۳۹۷ برای جامعه روستایی در استان‌ها

نتایج تفکیکی استان‌ها برای مناطق روستایی نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد ساکنان روستاها در استان سیستان و بلوچستان دارای فقر چندبعدی هستند. بعد از سیستان و بلوچستان که درجه فقر بالایی دارد، خراسان جنوبی و کرمان هر یک با ۳۶ و ۳۲ درصد قرار دارد. برخلاف نتایج فقر چندبعدی شهری، در مناطق روستایی نتایج چندان تعجب‌آور نیست، و همان‌طور که مشاهده می‌شود، استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، و کرمان به‌ترتیب سه استان فقیرتر در مناطق روستایی با معیار فقر چندبعدی هستند. این نتایج در تحلیل‌های حساسیت‌پایداری از خود نشان می‌دهند. به این معنا که اگر از معیارهای دیگر کالری یا دریافت مواد پروتئینی استفاده شود، باز هم رتبه‌بندی استان‌ها، به‌ویژه در بخش روستایی، تغییر نمی‌کند. همچنین، در صورت تغییر سال ۱۳۹۷ به ۱۳۹۶ رتبه‌بندی فقر چندبعدی روستایی تغییر چندانی نمی‌کند. استفاده از این نتایج می‌تواند در سیاستگذاری مبارزه با فقر و بهبود رفاه مورد استفاده قرار گیرد. همان‌طور که روشن است، استان سیستان و بلوچستان، در هر دو فقر روستایی و شهری، فقیرترین استان کشور است.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش ارزیابی دقیق‌تر فقر به تفکیک استانی است، زیرا برخی گزارش‌ها از جمله گزارش بانک جهانی<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که تا سال ۱۳۹۷ فقر درآمدی با معیار ۵/۵ دلار در ایران کاهش نیفت. این پژوهش با استفاده از داده‌های هزینه درآمد خانوار نشان می‌دهد که فقر چندبعدی پس از کاهش در نیمه دوم دهه ۱۳۸۰، در دهه ۱۳۹۰ کاهش نشان نمی‌دهد و حتی در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶، در هر دو جمعیت شهری و روستایی بیش‌تر شده است (شکل ۳). در واقع، این پژوهش تکمله‌ای بر روند سایر متغیرهای مهم رفاهی کشور مانند مصرف درآمد سرانه فقر درآمدی و فقر غذایی است که با یک رویکرد جدیدتر، فقر چندبعدی و روند آن را در کشور ایران نشان می‌دهد. همچنین، در این پژوهش تفکیک استانی برای شناسایی دقیق‌تر فقر انجام می‌شود، زیرا سیاستگذاری فقر یا ارزیابی سیاست‌های رفاهی نیازمند داشتن تصویر مناسب از ابعاد فقر است. تعریف تک‌بعدی و صرفاً درآمدمحور از فقر کافی نیست. شاخص فقر چندبعدی در سه بعد سلامت، آموزش، و استاندارد زندگی به محاسبه فقر می‌پردازد و تصویر جامع‌تری برای سیاستگذاری تهیه می‌نماید. علاوه بر این، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در ایران مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، فقر چندبعدی بیش‌تری در حدود ۴ برابر دارند و اگرچه در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ از شدت

فقر کاسته می‌شود **شکل (۲)**، اما سرشمار فقر یا همان تعداد فقیران در دهه ۱۳۹۰ و به‌ویژه از سال ۱۳۹۲ **شکل (۱)** کاهش جدی نشان نمی‌دهد که می‌تواند هشدار برای بازنگری در سیاست‌های کاهش فقر در کشور ایران باشد.

با توجه به افزایش قیمت سوخت در سال ۱۳۹۸ و همچنین افزایش فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و بیماری کرونا، توصیه می‌شود یک پایگاه اطلاعاتی ایجاد و پویایی‌های فقر چندبعدی در کشور مدام رصد و گزارش شود.

## منابع

### الف) فارسی

- خدادادکاشی، فرهاد، و حیدری، خلیل (۱۳۸۸). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی. *نشریه پژوهشنامه اقتصادی*، ۹(۳۴)، ۲۳۱-۲۰۵.
- دادگر، بدالله (۱۳۹۷). *اقتصاد بخش عمومی*. انتشارات دانشگاه مفید.
- دادگر، بدالله، و باقری، مجتبی (۱۳۸۶). مطالعه تطبیقی حد فقر شریعت. *نشریه اقتصاد اسلامی*، ۷(۲۵)، ۶۰-۳۷.
- راعفر، حسین؛ محمدی‌فرد، زهرا، و سنگری مهذب، کبری (۱۳۹۲). اندازه‌گیری فقر چندبعدی در شهر تهران. *نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار*، ۱۳(۲)، ۱۶-۱. <http://ecor.modares.ac.ir/article-18-4983-fa.html>
- زیبایی، منصور، و شوشتریان، آشان (۱۳۸۶). بررسی پویایی‌های فقر در ایران با استفاده از داده‌های مرکب خانوارهای روستایی و شهری. *نشریه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۹(۳۲)، ۸۳-۵۵.
- شیروانیان، عبدالرسول، و اسماعیلی، عبدالکریم (۱۳۸۸). بررسی تاثیر تغییرات قیمت بر فقر روستایی مطالعه موردی: استان فارس. *نشریه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۰(۲)، ۲۵-۱۳.
- عزیزی، وحید؛ مهرگان، نادر، و یآوری، غلامرضا (۱۳۹۵). تاثیر سیاست‌های حمایتی و هدفمندسازی بارانه‌ها بر امنیت غذایی خانوارهای شهری در ایران. *نشریه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۱(۲)، ۹۵-۱۱۶.
- <http://jpbud.ir/article-1-1235-fa.html>
- علی‌مددی، محمدصادق (۱۳۸۷). *اندازه‌گیری شاخص‌های چندبعدی فقر در ایران سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی - گرایش اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه صنعتی شریف.
- مختاری، محمدعلی؛ مزیکی، علی، و رشنوادی، لیلیا (۱۳۹۴). نقشه فقر چندبعدی جامعه روستایی بر اساس آخرین استاندارد برنامه توسعه انسانی سازمان ملل. *کنفرانس بین‌المللی توسعه*.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶). اندازه‌گیری فقر چندبعدی در ایران و نگاهی به تجارب جهانی کاهش فقر. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1039870>

مزیکی، علی؛ ظاهری، میثم؛ رشنودی، لیلا؛ کریمی، ابوالفضل، و زارعی، حمید (۱۳۹۳). نقشه فقر کشور رویکرد نیازهای اساسی. کنفرانس اقتصاد ایران.

مصطفایی، شعبان؛ خداداد کاشی، فرهاد، و موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۹۸). بررسی تاثیر بخش صنعت بر کاهش فقر در کل استان‌های ایران. نشریه برنامه‌ریزی و بودجه، ۲۴(۱)، ۷۵-۵۱. <http://jpbud.ir/article-1-1735-fa.html>

یوسفی، علی؛ اسدی خوب، حسن، و افشاری، محسن (۱۳۹۲). ارزیابی فقر چندبعدی در عشایر کوچنده ایران. نشریه اقتصاد کشاورزی، ۷(۲)، ۶۸-۴۷.

#### ب) انگلیسی

- Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and Multidimensional Poverty Measurement. *Journal of Public Economics*, 95(7-8), 476-487. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.11.006>
- Alkire, S., & Jahan, S. (2018). The New Global MPI 2018: Aligning with the Sustainable Development Goals. *Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Working Paper*, No. 121
- Batana, Y. (2008). Multidimensional Measurement of Poverty in Sub-Saharan Africa. *Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Working Paper*, No. 13.
- Castro, J. F., Baca, J., & Ocampo, J. P. (2012). Counting the Poor in Peru: A Multidimensional Approach. *Latin American Journal of Economics*, 49(1), 37-65.
- Dhongde, S., & Haveman, R. (2017). Multi-Dimensional Deprivation in the US. *Social Indicators Research*, 133(2), 477-500. <https://doi.org/10.1007/s11205-016-1379-1>
- Karimi, S. M., Little, B. B., & Mokhtari, M. (2020). Short-Term Fetal Nutritional Stress and Long-Term Health: Child Height. *American Journal of Human Biology*. <https://doi.org/10.1002/ajhb.23531>
- Mazarei, A., & Mirzoev, T. (2015). Four after the SPRING. *Finance & Development*, 52(2), 55-57.
- Sen, A. (1976). The Measurement of Poverty: An Axiomatic Approach. *Econometrica*, 44(1), 219-232.
- Sen, A. (1981). Issues in the Measurement of Poverty. In *Measurement in Public Choice* (pp. 144-166): Springer.
- World Bank. (2018). The World Bank Iran Economic Monitor. <https://www.documents.worldbank.org>